

کارگران جهان متحد شوید!

اول مه امسال: فرصت ایجاد شده را نباید از دست داد!

(زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران و معلمان در روز جهانی کارگر)

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

انتخابات فرانسه

رشد راست افراطی و عظمت طلبی

صفحه ۴

جمال کمانگر

فلاکت اقتصادی معلمان و معضلات سیستم آموزشی

پیش سوی ۱۱ اردیبهشت!

صفحه ۵

فاطمه عسگری

در گرامیداشت سخنران اول مه جمال چراغ ویسی

صفحه ۶

پروین کابلی

پیش قراولان مارش اول ماه می

صفحه ۹

وریا روشنفکر

از "افسانه طبقه کارگر" تا "لومپن پرولتاریا"ی خیزش آبان"

در حاشیه اظهارات محمد حبیبی

صفحه ۱۰

احمد بابائی

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر و امیر عسگری

۶۴۵

مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۲۹ آوریل ۲۰۲۲

"فاز جدید جنگ"

دو راهی مرگبار

نشست روز سه شنبه ۲۶ آوریل در پایگاه هوایی رامشتاین آلمان به ریاست لوید آستین وزیر دفاع آمریکا و با شرکت وزیران دفاع چهل کشور حامی دولت اوکراین، دورنمای جنگ را از نظر بلوک ناتو و متحدانش روشن تر کرده است: جنگ در اوکراین نباید تمام شود، این جنگ طولانی است، ارسال تسلیحات سنگین و مدرن و تقویت جبهه های دفاعی اوکراین هدف فوری و تصمیم مشخص این نشست بود. ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا بار دیگر هدف اساسی آمریکا و ناتو از ادامه جنگ در اوکراین را بروشنی بیان کرد. وی به سی.ان.ان گفت: "اگر این وضعیت پای برجا باقی بماند، اگر پاسخی برای این تجاوزگری وجود نداشته باشد، اگر روسیه بدون پرداخت هزینه از آن بگریزد، به اصطلاح نظم بین المللی نیز از بین می رود، و اگر این اتفاق بیفتد، ما وارد دوران بی ثباتی جدی تشدید شده می شویم. آنچه در خطر است، نظم جهانی مربوط به امنیت بین المللی است؛ نظمی که در سال ۱۹۴۵ برقرار شد".

نشست رامشتاین بعد از دو ماه جنگ در اوکراین برگزار شد و بنظر تصمیم گرفت نگرانی های تکنونی مبنی بر درگیر شدن مستقیم ناتو در جنگ را بدرجه ای کنار بگذارد. نجات نظم جهانی به

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"فاز جدید جنگ"

دو راهی مرگبار ...

رهبری آمریکا اولویت است. از سوی دیگر با تهدیدهای پوتین و لاورف روبرو هستیم که دست به ماشه از "خطر جنگ هسته ای" و "حملات برق آسا" سخن میگویند. پوتین در سخنرانی روز چهارشنبه ۲۷ آوریل در مجلس فدرال فدراسیون روسیه اعلام کرد: "اگر کسی بخواهد از خارج در اوضاع اوکراین مداخله کند و موجب تهدید استراتژیک مسکو شود، حملات ما برق آسا خواهد بود". لاورف هم تاکید میکند که "خطر جنگ جهانی هسته ای جدی است و نمیتوان آن را دست کم گرفت".

امروز دیگر جنگ واقعی از بازی کامپیوتری جلو زده است. عبارتی توحش در جنگ از قوه تخیل و بازی انهدام و کشتار جمعی پیشی گرفته است. اوکراین فی الحال ویران شده و قرار است بنا به سیاست غرب یک میدان جنگ طولانی برای تضعیف کامل روسیه باشد. دولت روسیه همراه با دولت چین نیز همین نظم جهانی آمریکا و اهداف آنرا زیر سوال می برند و خواهان بازتعریف مجدد آنند. مقامات دولت روسیه تهدید به استفاده از سلاحهای فوق مدرن می کنند که قدرت تخریبی بی نظیر دارند و اگر احساس خطر کنند در استفاده از آن تردیدی بخود راه نخواهند داد. باین هم با خونسردی جواب میدهد که باید در مورد جنگ هسته ای همینطور اظهار نظر نکرد، "اما ما برای همه چیز آماده ایم!"

دولتها و قدرتهای سرمایه داری، جهان و مردمانش را به گروگان گرفته اند. دنیا در دست مشتکی آدمکش و تروریست سوپر میلیاردی است که به سادگی میتوانند میلیون نفر را قربانی رقابتهای جنون آمیز و ارتجاعی خود کنند. سخنان ژنرال مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، عقل حاکم بر سیاست غرب است. بزعم ایشان ظاهرا تصمیم اتاق جلسه محرمانه رامشتاین تعیین کننده چند و چون دنیای فردا است. در جبهه اوکراین اینطور معنی میشود که "زمان به نفع اوکراین نیست، نتیجه این نبرد، در حال حاضر، امروز، به ما در این اتاق بستگی دارد".

دو راهی مرگبار

حاصل نشست رامشتاین که در واقع اتاق جنگ آمریکا و متحدانش است، ارسال انواع سلاح سنگین و کمک های لجستیکی و تخصیص بودجه و کمک برق آسا به دولت و ارتش اوکراین شد. امروز دیگر کسی تردید ندارد که اینها خواهان پایان جنگ و حتی عقب نشینی روسیه و مذاکرات نیستند، خودشان روند مذاکرات را بهم زدند. این کشورها دنبال گسترش جنگ در مهمترین نقطه استراتژیک برای تضعیف رقیب هستند. جبهه های این نبرد محدود به اوکراین نیست و سیاست "مهار روسیه و چین" فردا میتواند در تایوان، کره، دریای چین، و مهمتر و فوری تر در خود اروپا وسعت یابد.

بنابراین و با تصمیمات تاکتونی، یا آمریکا و منتقدین باید ادعاهای روسیه و چین و چهارچوبهای مورد نظر آنها را بپذیرند که این مساوی است با برسمیت شناسی پایان نظام جهان بعد از جنگ دوم و بویژه بعد از جنگ سرد تاکنون، و یا استراتژی شکست نظامی روسیه را در جبهه اوکراین دنبال کنند که در نهایت بقول ژنرالهای

آمریکائی "روسیه بدرجه ای ضعیف شده باشد که امکان مجدد چنین اقدامی را نداشته باشد". در تداوم سیاست جنگی با هدف تضعیف و شکست روسیه، بسیار خوشبینانه و چه بسا سفیهانه خواهد بود اگر انتظار داشته باشیم که پوتین و دولت روسیه این شکست مورد علاقه ناتو را می پذیرند و از دندان و قدرت نظامی اتمی خود سود نمی جوید. مضافاً در متن بالاگرفتن تهدید جنگ اتمی، هر نوع پیشدستی در چنین حملاتی از هر سو دور از انتظار نیست.

این یک دو راهی مرگبار برای بشریت است. کمترین توهمی نباید داشت. دنیا دست مشتکی دیوانه و مولتی میلیاردی و دولتهای نوکر و حافظ نظم سرمایه است که حاضرند برای قدرت و جایگاه خود در دنیای جدید به هر جنایتی دست بزنند. تاریخ بورژوازی با خون و آتش و جنگ نوشته شده است، این همان بورژوازی است و واپسگرا تر از هر زمانی در یک مرحله مهم تاریخی قرار گرفته است. امیدی به عقل طبقات حاکمه برای نجات جهان وجود ندارد، تنها امید دنیای امروز طبقه کارگر بین المللی و بشریتی است که منفعتی در تشدید جنگ دولتهای سرمایه داری و مخاطرات دهشتناک جنگ اتمی و زمستان هسته ای ندارد.

مهمترین وظیفه کارگران و بشریت آزادیخواه در مقطع حساس کنونی، تلاش برای پایان دادن به جنگ ارتجاعی و ویرانگر دولتهای سرمایه داری است. اول مه روز جهانی کارگر فرصتی است که سیاست کارگران در قبال جنگ ارتجاعی و ضرورت پایان فوری آن اعلام شود و برای آن تلاشی درخور از اعتصاب و تحرک اعتراضی تا بسیج افکار عمومی در دستور قرار گیرد. کارگران جنگ نمیخواهند، ریاضت اقتصادی نمیخواهند، با مردمان و کارگران دیگر کشورها دشمنی ندارند. در اول مه علیه دولتهای جنگ طلب از روسیه و زلنسکی تا آمریکا و ناتو اعتراض کنیم و با طبقه کارگر در کشورهای مختلف یکصدا علیه جنگ صدایمان را بلند کنیم.

دست دولتهای سرمایه دار و جنگ طلب از سر مردم کوتاه!

سردبیر.

۲۸ آوریل ۲۰۲۲

علیه جنگ، علیه ریاضت اقتصادی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



اول مه امسال: فرصت ایجاد شده را نباید از دست داد!

(زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران و معلمان در روز جهانی کارگر)

رحمان حسین زاده

اجتماعات سراسری و توده ای در گرامیداشت اول مه بعد از سرکوبهای دهه شصت شمسی و در حمایت از مبارزات برحق معلمان در چند سال اخیر در کشمکشهای سیاسی جامعه ایران تحت حاکمیت استبداد خشن و جمهوری اسلامی ثبت شود. وقوع چنین اتفاق مهمی اکنون در گرو تشخیص درست و ابتکار عمل و حرکت آگاهانه پیشروان جنبش کارگری و جنبش معلمان است. این فرصت را نباید از دست داد.

در مقابل تلاش برای سازماندهی چنین تحول مهمی احتمالاً با بروز دو نگرش مانع ایجاد کن که در ملایمترین حالت میتوان اسم "محدود نگرش" را بر آنها گذاشت، روبرو شویم. اولی این نگاه که از میان معلمان گفته شود، "در اجتماعات ما معلمان نباید از روز جهانی کارگر و گرامیداشت آن، صحبت شود. با پلاکارد و شعارهای مر بوط به روز کارگر و حتی ایراد سخنرانی و قرائت قطعنامه از جانب کارگران موافقت نشود!!" نگرش دیگر از میان کارگران سربرآورد، که مدعی شوند، "روز کارگر را باید مستقل برگزار کنند و نباید قاطی اجتماعات معلمان شوند!! چون گویا به حرکت مستقل کارگران و گرامیداشت اول مه کارگری لطمه وارد میشود!؟" احتمالاً یک عده "کارگرهای قلابی" هم پیدا شوند، این سطحی گری را تشویق کنند. تاکنون و چند روز مانده به روز اول مه این محدودنگریها با خوشحالی به طور جدی مطرح نیستند. شکی نیست در صورت طرح چنین نگرشهای غلطی فعالین پیشرو کارگری و معلمان آگاه و با تجربه چنین مزاحمتهای احتمالی را میتوانند خنثی کنند. در نتیجه در اینجا و فعلاً در رد چنین نگرشهای غیر اجتماعی توضیحی لازم نمی بینم. روز اول مه ۱۴۰۱ میتواند نقطه عطف مهمی در جنبش کارگری و توده ای جامعه ایران باشد. برای تحقق آستینها را بالا زنیم.

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است! مجمع
عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی
برپا کنید!**

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

روز جهانی کارگر امسال (۱۴۰۱) در ایران میتواند به یک روز بزرگ ابراز وجود همگام جنبش کارگری و جنبش معلمان، به روز پرجمعیت ترین گرامیداشتهای اول مه و همزمان حمایت موثر از جنبش اعتراضی تاکنون معلمان در سراسر ایران تبدیل شود. به شرطی که فرصت به وجود آمده را بشناسیم و دریابیم.

فرهنگیان و معلمان در تداوم تحرک اعتراضی دوره ای سراسری و سازمانیافته تاکنونی، در ابتکاری مناسب تجمعهای اعتراضی هفته آینده خود را به روز یکشنبه یازدهم اردیبهشت (روز اول مه) فراخوان داده اند. این همزمانی تجمعات رادیکال سراسری معلمان و روز کارگر غنیمت و فرصت بزرگ برای ابراز وجود متحدانه جنبش کارگری و جنبش معلمان و همه مدافعان روز کارگر و مبارزات معلمان و مردم تحت فشار ایجاد کرده است. بنا به تجربه تاکنونی واضح است فراخوان فرهنگیان و معلمان درست مثل دوره های قبل و پنجشنبه گذشته پاسخ شایسته را در یکشنبه آینده میگیرد. از هم اکنون پیش بینی میشود، در تعداد زیادی از شهرهای بزرگ و مرکز استانها اجتماع بزرگ معلمان برگزار میشود. اینجا فعالین رادیکال و پیشرو معلمان و کارگران با این صورت مسئله روبرو هستند، که چه نوع ابتکار و شیوه هایی لازمست بکار گرفته شود تا در این اجتماعات بزرگ، هم اعتراض و خواسته های معلمان با برجستگی طرح شوند و همزمان گرامیداشت روز کارگر به نحو شایسته نمایندگی شود و به معنای واقعی اتفاق مهم همبستگی کارگران و معلمان در روز اول مه عملی شود. به گمان من فراخوان دهندگان اجتماعات معلمان در روز کارگر چنین هدف شایسته ای را مدنظر دارند.

امیدوارم فعالین کارگری و سازماندهندگان اول مه که از مدتی قبل در تدارک گرامیداشت روز جهانی کارگران هستند، با خرسندی و خلاقانه از این ابتکار معلمان استقبال کرده باشند. همکاری و هماهنگی لازم در سطح هر شهر به منظور سازماندهی برگزاری اجتماعات بسیار گسترده انجام گرفته باشد. روز جهانی کارگر امسال در ایران میتواند به صحنه حضور پرشور و گسترده کارگران و خانواده های کارگری و همه علاقمندان روز کارگر و همزمان فرهنگیان و معلمان و هر انسان رنج دیده از ستم سرمایه داری تبدیل شود. متینگهای بزرگ قابل پیش بینی یکشنبه آینده در عین حال که محل پافشاری خواسته های برحق معلمان است، همزمان میتواند مکان سخنرانی و قرائت قطعنامه و بیانیه های کارگری و گرامیداشت اول مه و اعلام همسرنوشتی و اتحاد و همبستگی کارگران و معلمان باشد. متینگهای یکشنبه آینده میتواند به عنوان پرجمعیت ترین

کارگر، معلم پاخیز، برای رفع تبعیض!

انتخابات فرانسه

رشد راست افراطی و عظمت طلبی

جمال کمانگر

فرانسه یکی از کشورهای مهم اروپاست که مفاهیم چپ و راست در سیاست را در دنیا ابداع کرد. شکاف چپ و راست ریشه در انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ دارد. زمانی که حامیان حق وتوی سلطنتی در سمت راست مجلس ملی و مخالفان در سمت چپ ایستادند. در طول دو قرن بعد از این واقعه چپ و راست به شکاف اصلی فلسفه سیاست در غرب تبدیل شده است. اکنون بار دیگر این فرانسه است که در نابودی این شکاف و جایگزینی آن با سیاست جدیدی خیز برداشته است. این وجه اشتراک دو اردوی ناسیونالیست و فاشیست و یورو- سنتریست راست و محافظه کار است.

در دور اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در ۱۰ آوریل، احزاب سنتی راست میانه و چپ میانه سقوط کردند. آنا هیدالگو، نامزد حزب سوسیالیست، تنها ۱.۸ درصد و والرئ پکرس، نامزد جمهوری خواهان راست میانه ۴.۸ درصد آرا را به دست آوردند. ژان لوک ملانشون، کاندیدای چپ افراطی، ۲۲ درصد آرا را به دست آورد، اما همچنان به دلیل بی‌درایتی اردوی چپ فرانسه از حضور در دور دوم انتخابات حذف شد. دور نهایی انتخابات در ۲۴ آوریل که بین امانوئل ماکرون و مارین لوپن برگزار شد، ماکرون ۵۸ درصد آراء و لوپن ۴۲ درصد آراء را به خود اختصاص دادند. هم ماکرون و هم لوپن اصرار دارند که "دوران سیاست چپ- راست به پایان رسیده است".

اگرچه لوپن به عنوان نامزد راست افراطی شناخته میشود اما او این موضوع را رد می‌کند و اصرار دارد که: "دیگر چپ و راستی وجود ندارد. شکاف واقعی بین میهن پرستان و جهانی گرایان است." ماکرون همچنین مدت‌ها استدلال می‌کرد که "نه راست است و نه چپ." ماکرون گفت: "شکاف سیاسی جدید بین کسانی است که از جهانی شدن می‌ترسند و کسانی که جهانی شدن را یک فرصت می‌بینند." لوپن در یک سخنرانی انتخاباتی جهانی گرایان را متهم کرد که فرانسوی‌ها را بعنوان مصرف کننده‌های بی‌ریشه و نه بعنوان شهروندانی که به فرهنگ و زبان شان وابسته‌اند، رفتار می‌کنند. این نوع لفاظی اکنون علامت تجاری راست ناسیونالیست در سراسر جهان است. نظریه پردازان سیاسی بانفوذ در روسیه مانند الکساندر دوگین و کنستانتین مالوفیف بارها "جهانی گرایی" را به عنوان "توطئه ای علیه ملت و فرهنگ روسیه" محکوم کرده اند. موضع فعلی لوپن نیز به شدت یادآور دونالد ترامپ است که به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به سازمان ملل اطلاع داد که "آینده متعلق به جهانی گراها نیست. آینده متعلق به میهن پرستان است".

سیاستی که حول تمایز بین "جهانی گرایان" و "وطن پرستها" قوام یافته، بناچار ساختار خطوط سنتی تقسیم چپ و راست را برهم می‌زند. دستکم در وعده های انتخاباتی ماکرون موضوعی را اتخاذ کرده است که به طور سنتی در مورد برخی از مسائل اجتماعی مانند حقوق همجنسگرایان چپ تلقی میشود، اما تلاش های او برای مقررات زدایی

از اقتصاد و کاهش مالیات ها و تغییر قانون کار و بالا بردن سن بازنشستگی برای محافظه کاران راست بشدت جذاب است. در مقابل، لوپن در مورد مسائلی مانند تاکید بر معیشت و تورم موضع ظاهرا چپ گرایانه دارد. ماکرون از طرفداران پرشور ادغام عمیق تر اروپایی است. لوپن می‌خواهد اتحادیه اروپای کنونی را از هم بپاشد و آن را به اروپای

"دول ملی و ظاهرا مستقل" از اتحادیه اروپا تبدیل کند. این تقابل در اردوی راست ویژه فرانسه نیست و ابعادی جهانی دارد، چه بورژوازی گلوبالیست و چه بورژوازی پروتکشنیست و عظمت طلب برای عقب راندن جامعه و مشخصا طبقه کارگر تلاش می‌کنند. هر دو به متحدین جهانی و یک استراتژی جهانی متکی اند. ناسیونالیست ها و فاشیست های متفرقه که دنیا را در آستانه جنگ قرار داده اند.

اختلال مشابهی در دسته بندی های سنتی راست و چپ در ایالات متحده و بریتانیا رخ داده است. قبل از ترامپ، جمهوری خواهان حزب تجارت آزاد، جهانی سازی و سیاست خارجی جنگ طلبانه بودند. اما ناسیونالیسم "اول آمریکا"ی ترامپ جمهوری خواهان را به سمت پروتکشنیسم و انزواطلبی سوق داد. این باعث شد که دست جناح راست حزب دموکرات به رهبری بایدن به عنوان محافظ مواضع سنتی بین المللی در سیاست خارجی و تجارت آزاد را باز بگذارد.

برگزیت همچنین سیاست بریتانیا را حول محور ناسیونالیستی بازسازی کرد. این تغییر با پذیرش شعار "بریتانیای جهانی" توسط برگزیت ها پنهان شد. اما واقعیت جهانی بریتانیا، کنترل مرزی سخت تر و کاهش تجارت بین المللی است. بسیاری از طرفداران برگزیت جذب شعار جهانی بریتانیا شدند نه به این دلیل که انترناسیونالیست هستند، بلکه به این دلیل که این شعار بیان "عظمت ملی" بریتانیا بود. بحث این بود که بریتانیا در سطح جهانی بسیار مهم است و نمی‌توان آن را با عضویت در اتحادیه اروپا محدود کرد. لوپن دیدگاهی مشابهی برای فرانسه دارد. او در سخنرانی بزرگ سیاست خارجی خود در پاریس تاکید کرد که فرانسه یکی از قدرت‌های بزرگ جهان با دامنه و سرنوشت جهانی است. مانند طرفداران برگزیت، دیدگاه او از یک فرانسه جهانی در واقع ناسیونالیسم عظمت طلب فرانسه است.

یکی از خطرات اصلی گسترش این نوع سیاست در سراسر جهان، افزایش احتمالی جنگ‌های بین المللی است. ظهور سیاست‌های ناسیونالیستی لوپن، ترامپ، پوتین، بوریس جانسون، اردوغان و غیره که به فکر احیای عظمت طلبی از دست رفته هستند باعث جنگ‌های تکنونی و جنگ‌های آینده خواهد بود. کارگران و کمونیست ها در فرانسه و سایر نقاط جهان موظفند در مقابل این موج راستگرایی جهانی و پیامدهای آن سدی ببندند، نقدی سوسیالیستی بر سیاست‌های ناسیونالیستی و پروتکشنیستی و گلوبالیستی سرمایه داشته باشند و راه حل خود را در مقابل بحران و جنگ و مسائل اساسی جامعه طرح کنند. آینده میتواند میدان جنگ راست افراطی و ناسیونالیسم عظمت طلب نباشد، میتواند میدان نبرد پرولتاریای سوسیالیست و کمونیست فرانسه با کل سلطه بورژوازی باشد. *

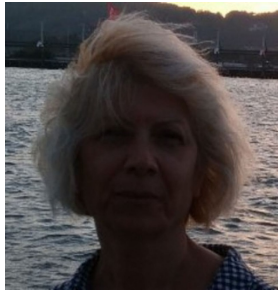


فلاکت اقتصادی معلمان و معضلات

سیستم آموزشی

پیش بسوی ۱۱ اردیبهشت!

فاطمه عسگری



که سالها با معیشت زیر فقر کار کرده اند و در پی مطالباتشان که یکی از مهمترینشان؛ تغییر سیستم آموزشی نا کار آمد، رفع تبعیض در آموزش، خلع ید پولیسازی آموزش، آموزش رایگان و حذف دروس ایدئولوژیک اسلامی از سیستم آموزشی کشور است را دستگیر، شکنجه و یا اخراج کرده‌اند.

برخورد خشونت‌بار عوامل سرکوبگر حکومت اسلامی با معلمان در روز اول اردیبهشت و دستگیری دهها نفر در تهران و تهدید و احضار در بیشتر شهرها نشانگر دلسوزی و اهمیت آموزش برای مقامات می باشد. آنچه مسلم است تنها راه حل مشکلات در رسیدن به مطالبات و رفع سایر موانع آموزشی، اتحاد و مبارزه گسترده تر و متشکل تر معلمان با خواسته‌های دربرگیرنده و رادیکال است. مبارزه ای که همراه با جنبش گسترده طبقه کارگر مبنای آینده ای سازنده برای نسلهای آتی و فرزندان زحمتکشان باشد. معلمان نیز باید در مسیری حرکت کنند که فردا در نظامی شورائی سازمان‌داده امور آموزش و یک نظام آموزشی پیشرو و سکولار را خود بدست گیرند.

معلمان بدنبال محقق نشدن خواسته هایشان روز پنجشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ بطور گسترده در سراسر ایران در جهت گرفتن خواسته هایشان تجمع و اعتراض کردند و این تو دهنی بزرگی است برای حکومت اسلامی که نه تهدید، نه زندان و شکنجه نمی‌تواند در مقابل مطالباتشان سدی ایجاد کند. معلمان و کارگران بعنوان بخشهای مختلف طبقه کارگر نیازمند وحدت طبقاتی قویتری هستند. لزوم همبستگی طبقاتی توسط معلمان بیش از پیش حس شده است تا فراخوانی درست و بجا برای روز جهانی کارگر اعلام کنند.

معلمان روز ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر ضمن کنار زدن ۱۲ اردیبهشت بعنوان روز معلم حکومت اسلامی بعنوان بخش مهمی از طبقه کارگر همبستگی خود را با کارگران و زحمتکشان اعلام کرده اند.

در همین راستا انتظار آن می‌رود تا جنبش کارگری، دانشجویان و سایر بخشهای به ستوه آمده از بورژوازی اسلامی حاکم در کنار معلمان روز جهانی کارگر را به شکلی متحد و منسجم در مقابل ادارات آموزش و پرورش و مراکز شهرها قرار گرفته و خواسته‌های طبقاتی و کلان خود را بر سر سرمایه داری مفت خور اسلامی فریاد زنند.

این همبستگی طبقاتی و حضور گسترده طیفهای مختلف طبقه کارگر میتواند با بیان خواسته‌های رادیکال نقطه عطف جدیدی در مبارزات طبقاتی علیه حکومت اسلامی حافظ نظم سرمایه ثبت کند.

۲۸ آوریل ۲۰۲۲

بعد از ۴۳ سال تحمیل سیستم نادرست و ارتجاعی آموزشی از طرف حکومت اسلامی که در جهت دوام چپاول از جیب مردم و اشاعه خرافه بوده است، جدیداً شاهد نطقی دیگر از طرف وزارت علوم هستیم مبنی براینکه در پی تحقیقات متوجه شدند علت بیکاری ۴۴ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مربوط به عدم موفقیت سیستم آموزشی در بخش اشتغال میباشد.

مگر ۵۶ درصد بقیه همه در شغل‌های تخصصی شاغلند؟ آیا اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ناچار به کولبری، سوخت بری و دست فروشی، بیکاری و جذب نیروهای وابسته به حکومت در اکثر مشاغل را باید از ضعف آموزش در بخش اشتغال دانست؟

احساس خطر حکومت و تحمیل طلاب در مدارس و عدم پذیرش قبولین آزمون ورودی دانشگاه‌ها با رتبه بالا بخاطر تعلق به بهائیت و یا عقاید غیر اسلامی، به زندان انداختن دانشجویان المپیادهای علمی و شکنجه کردنتشان همچون علی یونسی، آیا همه و همه نشانگر اهمیت دادن وزارت علوم به دانشجویان و اشتغال آنان است؟! آقایان آنقدر متخصص هستند که قبل از آزمون استخدامی تشخیص علمی می‌دهند؟

گویی فرصت کاری با تمام امکانات در جهت اشتغال برای جوانان وجود داشته و آنان از عهده کار مربوطه برنیامده اند. چرا این بیکاری ها شامل نزدیکان حکومت و آقازادگان نیست؟ از اول تحمیل حکومت اسلامی هزاران متخصص و نخبه یا در زندانها کشته، یا به دلایل مختلف مجبور به کوچ اجباری و یا تبعید به خارج از کشور شده اند. اگر حکومت به فکر جوانان و اشتغال آنان بود آموزش را رایگان می کرد و ۵ میلیون دانش آموز چه بسا نخبه که می‌توانست در پیشبرد و ترقی آینده جامعه خدمات ارزنده ای داشته باشند ترک تحصیل نمی کردند و بخش عظیمی از این دانش آموزان مستعد به کودک کار تبدیل نمیشدند. بورژوازی اسلامی حاکم در طی سالهای اخیر موجب آن شده تا شاغلین بعلت عدم تطابق حقوق دریافتی با تورم و معیشت زندگی دست به خودکشی زده یا به خاطر حق طلبی و مطالبه گری، اخراج، زندانی، شکنجه و حتی کشته شوند.

دلسوزی و نگرانی ساختگی مسئولان دزد و جانی و علم ستیز جمهوری اسلامی به گونه ایست که معلمان معترض به سیستم آموزشی

آموزش رایگان برای همگان!

در گرامیداشت سخنران اول مه

جمال چراغ ویسی

پروین کابلی



کار کودکان، بیمه های اجتماعی و غیره مورد بحث و گفتگو قرار می گرفت. آنچه که ویژگی برجسته این تجمعات بود حضور وسیع زنان و خانواده های کارگری بود که خود در امر بسیج این متینگ ها فعالانه شرکت می کردند. قطعنامه های به جا مانده از این دوره نشان از یک طبقه آگاه به وضعیت اجتماعی و سیاسی خود دارد که به مانند رهبر در این قطعنامه ها

تمام مسائلی که بعنوان موانع در مقابل پیشروی قرار دارد نام برده می شود. کارگران در این قطعنامه ها خواهان تعطیلی کار در روز جهانی کارگر، برسمیت شناختن تشکلهای کارگری، ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۸ سال، ممنوعیت قطعه کاری و کار کنتراتی، بیمه بیکاری، برابری دستمزد زنان و مرد در مقابل کار مشابه و برابری زنان در کلیه شئون اجتماعی، آموزش رایگان برای همه ی کودکان، ایجاد امکانات رفاهی برای زنان هنگام بارداری و ایجاد رختشویخانه های عمومی و ... شده بودند. این لیست بسیار طولانی تر می باشد.

یکی از چهره های شناخته شده و رهبر این پیشروی جمال چراغ ویسی کارگر جوانی بود که در اردیبهشت ۱۳۶۸ در مراسم سالن تختی شهر سندانج سخنرانی نمود. در این سخنرانی این رهبر جوان با یک جهانیابی کمونیستی، درایت سیاسی و طبقاتی از مجمع عمومی بعنوان کانونی برای بحث و مشورت و تصمیم گیری اسم می برد و در ادامه این سخنرانی به تاریخ رشد و حرکت طبقه کارگر، فروش نیروی کار و اجتماعی بودن حرکت انسان، آگاهی طبقاتی و متشکل شدن بعنوان نیروی حرکت بسوی آینده اسم می برد.

مزدوران رژیم که از گسترش و نفوذ وی و برگزاری گردهمایی های روز کارگر به وحشت افتاده بودند حدود یکماه بعد از ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۸ جمال را در سندانج دستگیر کردند. جمال این رهبر کارگری تا مدتها زیر شکنجه های شدید به مقاومت پرداخت و در دی ماه همان سال اعدام گردید و جنازه وی شبانه در اطراف شهر قروه در گورستانی که به "خاوران کردستان" مشهور است همراه ۱۶ نفر دیگر که دو نفر از آنها دو دختر ۱۷ ساله بودند مخفیانه به خاک سپرده شد. رژیم از ترس خشم کارگران و مردمی که جمال را می شناختند تا اردیبهشت یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۹ جرئت نکرد که خبر اعدام جمال را منتشر کند.

خبر اعدام جمال چراغ ویسی موجی از خشم و نفرت را در میان مردم برانگیخت. اعدام او فقط نشان داد که جمهوری اسلامی با چه خشونت با مبارزه متحدانه کارگران روبرو می شود. در گرامیداشت یاد جمال چراغ ویسی و مبارزه متحدانه او و رفقاییش جا دارد که بار دیگر سخنرانی او را مروری کنیم و به او درود بفرستیم. زنده باد یاد رفیق جمال چراغ ویسی!

در سالهای اخیر گسترش مبارزات کارگران و زحمتکشان در ایران در تقابل با کارفرمایان و جمهوری اسلامی، هر روز بیشتر از دیروز خود را به رسانه ها و خیرهای مهم تبدیل کرده است. این حضور مبارزاتی طبقه کارگر علیرغم ممنوعیت تشکل و تحزب و سرکوب مستمر و فقر اقتصادی ممکن شده است. مبارزات کارگران در هفت تپه و بحث مجمع عمومی در کنار آن به یکی از ارشمندترین مبارزات این دوره تبدیل شد و به عنوان یک دستاورد مهم در تاریخ جنبش کارگری ایران باید از آن نام برد. بسیاری از کسانی که این مبارزات را رهبری و هدایت می کنند امروز جزو رهبران محبوب و چهره های شناخته شده ای در مبارزه علیه جمهوری اسلامی نیز هستند.

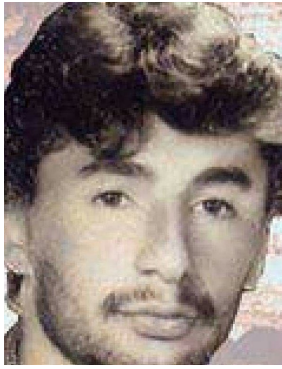
اما این اولین بار نیست که طبقه کارگر با رهبران آگاه و پیشرو به میدان می آید. تاریخ جنبش کارگری در ایران صحنه حضور رهبران عملی کارگران در اعتصابات و اعتراضات و مقاطع مختلف بوده است. رهبرانی که چه توسط رژیم پهلوی پدر و پسر و چه توسط جمهوری اسلامی، به طرق مختلف سرکوب و ناپدید یا تبعید و یا به جوخه های اعدام سپرده شده اند. در آستانه ی روز کارگر باید یاد کنیم از یکی از رهبران لایق و جوان مبارزات کارگری، جمال چراغ ویسی که در سال ۱۳۶۸ به دست جلدان اسلامی اعدام شد. اما راه او و رهروان او هنوز برای تحقق یک دنیای برابر و رهایی انسان از ستم و بردگی هنوز ادامه دارد.

در دهه دهه ۶۰ شمسی در شرایطی که در سراسر ایران وحشت جمهوری اسلامی همه را به سکوت وادار نموده بود، در بخشی از شهرهای کردستان از اشنویه تا سندانج کارگران و رهبران کارگری توانستند ابراز وجود نمایند و حضور طبقاتی خود را در روز اول ۱۱ اردیبهشت روز کارگر در چندین سال پیاپی به نمایش بگذارند.

از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ روز کارگر نه تنها بعنوان روزی برای اعتراض و تجمع بلکه روز قدرنمایی و حضور در کوچه و خیابانها بود. از همان ساعت اولیه این روز بطور نمونه شهر سندانج تقریباً به حالت نیمه تعطیل در می آمد و در محلات کارگر نشین اطراف شهر مردم این روز را به هم تبریک می گفتند، به منازل همدیگر سر میزدند و به جشن و شادی می پرداختند. در سال ۱۳۶۶ در گردهمایی پاساژ عزتی در شهر سندانج علیرغم همه تدابیر امنیتی رژیم متینگ باشکوه با بیش از ۱۵۰۰ نفر برگزار گردید. در این مراسم ها قطعنامه و سخنرانی های از سازمانیابی تا محیط زیست و موقعیت نابرابر زنان،

متن سخنرانی جمال چراغ ویسی در سالن ورزشی

تختی سندج در اول مه ۱۳۶۸



باید بگویم چیزی که به مجمع عمومی رسمیت می‌دهد و آنرا تثبیت می‌کند، تنها و تنها منظم بودن و همیشگی بودن آن است. اگر ما هر روز ۱۰ ساعت باهم کار می‌کنیم می‌توانیم در روز هم نیم ساعت و در ماه دو روز و یا حداقل ۲ ساعت دور هم بنشینیم و از مشکلاتمان بگوییم. اعتبار و رسمیت دادن به مجمع عمومی‌مان در گرو منظم و بطور همیشگی

گرفتن آن می‌باشد. اما ما اغلب وقتی کارفرمایی می‌خواهد ساعات کار را طولانی و یا دستمزد را کم کند، با عجله مجمع می‌گیریم. از آنجا که نمی‌توانیم مسئله را خوب بررسی کنیم و ارزیابی مشخصی بکنیم و تصمیم قاطعی بگیریم، حرف‌هایمان می‌ماند و نمی‌توانیم حقوقمان را بگیریم. البته مجمع عمومی تنها مختص کارخانه‌ها و کارگاههای بزرگ نیست، ما حتی در کارگاههای کوچک هم می‌توانیم مجمع بگیریم. در کارگاههای کوچک می‌تواند شکل مشخصی از متحد بودن کارگران باشد، به چه شیوه‌ای؟ وقتی شهر خودمان سندج را می‌بینیم، در خیابان‌ها و کوچه‌های آن صدها کارگاه خصوصی کوچک وجود دارد، از مکانیکی و جوشکاری و نجاری گرفته تا صافکاری و نقاشی و سایر رشته‌های دیگر این کارگاهها ساعات کار مشخص ندارند و از امکانات زیستی، بهداشتی برخوردار نیستند، دستمزدها در آنها پایین است، قانون کاری که در این کارگاهها حاکم است قانون کاری است که کارفرما خود تعیین کرده و نه حتی قانون کار خود دولت و اداره کار و از قانون کار ما کارگران در این کارگاهها خبری نیست. کارفرما به شیوه‌ای که برایش سازگار باشد و به نفعش باشد عمل می‌کند، کاری به این ندارد که من چگونه زندگی می‌کنم، اگر ما کارگران کارگاههای خصوصی بتوانیم بدور هم جمع شویم و مسائلمان را بازگو کنیم و مشکلاتمان را بیان کنیم و تشکلی بنام سندیکا، اتحادیه، دفتر نمایندگی و یا هر اسم دیگری بوجود آوریم، این در واقع همان چیزی است که اکنون به نفع ماست و معضل ما کارگران را می‌توان جوابگو باشد. ما باید در جاهایی دور هم جمع شویم.

و باهم بحث و گفتگو کنیم و ما مسائلمان را مطرح کنیم و بتوانیم مثلا تعاونی مصرف بوجود آوریم، تعاونی مصرفی که بتواند حداقل کمکی بکند به مسایل معیشتی ما و وسایل و ارزاق عمومی و مایحتاج عمومی ما را به قیمت دولتی در اختیارمان بگذارد. به محله‌های اطراف شهرمان نگاه کنیم، شهرسندج هم اکنون نمونه بارزی است برای نشان دادن وضعیت مشخص ما کارگران، محلاتمان از عباس آباد تا کانی کوزه‌له و تا حاجی‌آباد و زورآباد و تاده‌ها و صدها محله دیگر نمایانگر محرومیت ما از امکانات ابتدایی و اساسی زندگی هستند. حتی چند قطره آب برای تر کردن زبان خشکتان پیدا نمی‌کنید. برای صد و حتی دویست خانه یک شیر آب عمومی وجود دارد که برای یک سطل آب باید ساعت‌ها در صف ماندگار شوی که البته این درد و رنج بر دوش زنان و خواهرانمان می‌باشد. در خیلی از محلات آب

"رفقای کارگر! خوش آمدید، امروز روز جهانی کارگر و جشن جهانی خودمان است. جشن روز کارگر بر همه ما پیروز باد. همانطور که رفیق مجری برنامه اعلام کرد، قرار بود که رفیقی درباره مجمع عمومی صحبت کند، مجمع عمومی با تعریف ساده یعنی اینکه امروز روز جهانی کارگر ما به دور هم جمع شویم و در این رابطه بحث و گفتگو کنیم. مجمع عمومی با تعریف ساده یعنی جمع شدن تعدادی کارگر در محل و مکان مشخصی که روی مسئله ای مشخص که قبلا تعیین شده و یا تعیین می‌شود به بحث پرداخته و تصمیم بگیرند و به نتیجه‌ای درست برسند. انسان موجودی اجتماعیست یعنی در اجتماع و در جمع شدن انسانها دور هم که آنها می‌توانند نیازهایشان را برآورده کنند مثلا اگر احتیاج به نان دارند باید دور هم جمع شوند و دست در دست هم بگذارند تا بتوانند نان را تهیه کنند و اگر رنجی هست همه با هم در کنار هم می‌کشند.

مجامع عمومی ما کارگران باید حربه‌ای و ضامنی باشد برای گرفتن حق و حقوقمان و ما امروز در روز جهانی کارگر اعلام می‌کنیم، افزایش دستمزدهایمان، کاهش ساعت کار، استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی، حق بیمه بیکاری، جلوگیری از اخراج کارگران و صدها و هزاران خواستی که نسبت به آنها کم کاری شده و یا به فراموشی سپرده شده است مطالبات ما هستند و باید تأمین گردند. اگر ما بخواهیم به این خواست‌ها برسیم، و بخواهیم زندگی کنیم و خواسته‌هایمان را بگیریم، تنها و تنها به کمک جمع شدنمان و با تکیه به مجمع عمومی‌مان امکانپذیر است.

تاکنون و در طول تاریخ، از روزی که کارگر قدم به میدان جامعه گذاشته و نیروی کار خود را بفروش می‌رساند تا با آن زندگی کند، نمونه‌های زیادی داریم که کارگر چیزی برای مطرح بوده و یا برایش مطرح شده و زمانیکه خواسته است مسئله را به تنهایی حل کند سرکوب و یا اخراج کرده باشند، یا حداقل جوابش را نداده‌اند. نمونه‌هایی هم داریم که کارگران باهم چیزی برایشان مطرح بوده یا ظلمی به آنها شده ولی توانسته‌اند با هم مسئله و مشکل را حل کنند. مجمع عمومی چیز عجیب و غریبی نیست، چیزی نیست که خیلی خیلی از ما دور باشد. همین جمع خودمان را در نظر بگیریم تعدادی کارگر و تعدادی از خانواده‌های کارگری و زحمتکشی هستیم که بدور هم جمع شده‌ایم و می‌خواهیم یادی از روز اول ماه مه ۸۶ بکنیم این روز را به بلند گویی برای طرح خواسته‌هایمان و رسیدن به آنها تبدیل کنیم. و به این دلیل از ساعت ۳ در اینجا تعدادی کارگر که از مسائلمان بگوییم و مطالباتمان را بیان کنیم، این خود برای ما مجمع عمومی است. مجمع عمومی برای ما ناآشنا نیست، ما در محل کارمان، در محل زیستمان در میان خانواده‌هایمان مجمع عمومی داریم و به شیوه‌های متفاوت و بدلائل مختلف دور هم جمع می‌شویم، وقتی ۶ کارگر در کارگاهی باهم کار می‌کنند و با هم از مسائلشان صحبت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند این خود مجمعی می‌باشد.

متن سخنرانی جمال چراغ ویسی در سالن ورزشی

تختی سندج در اول مه ۱۳۶۸ ...

لوله کشی وجود ندارد و مردم از چشمه و یا هر جای دیگری دچارش می‌شویم، نتوانیم سرکار برویم و نتوانیم پولی را هم قرض کنیم در آنصورت باید از گرسنگی بمیریم و جان خود را از دست بدهیم، به این خاطر که در هیچ جایی اعتبار نداریم، کارفرما تا زمانی ما را می‌خواهد که به ما احتیاج داشته باشد. رفقای دیگرمان هم نمی‌توانند به تنهایی به ما کمک کنند چون اگر وضعشان خرابتر از ما نباشد، بهتر از ما نیستند و آنها نیز دست بگریبان ستم و استثمار هستند، بنابراین راه چاره چیست؟ ما می‌توانیم با جمع کردن پول‌های مختصرمان بطور ماهانه و یا مدت زمان‌های دیگری پولی جمع کنیم و در ضرورتی که احتیاج باشد، خود یا رفیق دیگری که نیازمند است از آن استفاده کنیم. می‌توانیم مقداری از این پول‌ها را به خانواده‌های نادر و بی‌بضاعت و خانواده‌هایی که بدهکارند کمک بکنیم. بیکاری واقعا از ما زهر چشم گرفته است و اگر کارفرمایی بما توهین کند، مجبوریم تحمل کنیم تا که اخراج نشویم و این دیگر احتیاج به توضیح ندارد. اکنون کارگر بیکار بی حد زیاد است و هر لحظه امکان دارد که کسانی که سرکارند تک تک بیکار شوند. ما اگر بتوانیم مقداری پول برای خودمان پس‌انداز کنیم در آن صورت می‌توانیم با مقداری از این پول، به رفقای بیکار و خانواده‌های نادر بی‌بضاعت کمک کنیم و اگر رفیقی در سانحه‌ای دستش شکسته و پایش شکست کمکش کنیم.

می‌بینید که تعداد زیادی از ما بی‌سوادند، دلیلش طولانی بودن ساعت کار است. اگر ما بتوانیم در هفته یکی دو روز و یا هروقت توانستیم رفقای را که سواد ندارند، سواد یادشان بدهیم و اگر سواد داریم مطالعه کنیم، بهتر اوضاع را می‌شناسیم. ما می‌توانیم تعاونی کار بوجود آوریم، تعاونی کاری که مشکلات ما را حل بکند، مثلا اگر من نجار هستم و رفیقم احتیاج به نجار دارد، کارش را با دلسوزی و با کیفیت بهتری انجام دهم و با دستمزدی کمتر از بازار، کارش را اتمام کنم و یا اگر آن رفیق نجار بود و من احتیاج به نجار داشتم، کمک کند می‌توانیم تعاونی‌های مصرف بوجود آوریم. تعاونی مصرفی که می‌تواند حداقل مشکلاتمان را حل کند، مایحتاج زندگیمان را به قیمت ارزان و رسمی و به نرخ دولتی در اختیارمان بگذارد.

در مورد بیمه بیکاری هم کمی صحبت کنم، بیمه بیکاری عبارت است از حقوقی که ماهانه از طرف اداره کار به کارگرانی که بیکار می‌شوند و یا اخراج می‌گردند پرداخت می‌شود. حق گرفتن بیمه بیکاری باید بتواند از اخراج کارگران بوسیله کارفرمایان جلوگیری کند. اکنون ببینیم چگونه است؟ طبق آمار سال ۱۳۶۷ که آمار رسمی است از اول فروردین ۶۶ تا آخر بهمن ماه ۶۷ که ۲۳ ماه می‌شود ده هزار نفر توانسته‌اند از بیمه بیکاری استفاده کنند. آیا واقعا فقط ۱۰ هزار بیکار داریم؟ خیر! واقعیت غیر از این است. این نشان می‌دهد که فقط ۱۰ نفر از حق بیمه می‌توانند استفاده کنند. چرا؟ بخاطر اینکه آنها در کارگاه‌هایی هستند که مجوز کار دارند و بیمه هستند و شناسنامه کار دارند و به این خاطر از حق بیمه

استفاده می‌کنند اما کارگر کشاورزی، فصلی، ساختمانی و کارگری که در کوره کار می‌کند و کارگری که در قالبی‌های کار می‌کند از حق بیمه محرومند. حق بیمه بیکاری که ماهانه پرداخت می‌شود چیزی نیست که با رعد و برق آسمان و یا با زلزله آمده باشد بلکه چیزی است که ماهانه از حقوق خودمان کسر می‌شود. آن رفقای که حق بیمه پرداخت می‌کنند متوجه شده‌اند که از اول سال ۶۶ به این طرف ماهانه ۶۰ تا ۷۰ تومان از دستمزدشان کسر می‌شود و این مبلغ براعتبار بیمه بیکاری افزوده می‌شود پس در واقع اداره کار و بیمه اجتماعی و مسئولین مربوطه حالت بانک بخود گرفته‌اند و ماهانه مقداری پولی را از کارگران شاغل جمع می‌کنند تا اگر رفیقی بیکار شد و یا اخراج گشت، کمکش کنند، آن هم طبق شرایطی که به آن اشاره شد.

خواست ما کارگران در مقابل بیمه بیکاری این است که بیمه بیکاری به تمام کارگران بیکار و تمام کسانی که آماده به کارند و سن آنها بالاتر از ۱۸ سال است داد می‌شود.

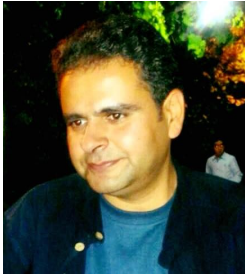
بیمه بیکاری شامل تمام کارگران خدماتی، کشاورزی، صنعتی، کارگران ساختمانی، فصلی و موقت، کارگران کوره پزخانه‌ها و قالبی‌های باشد و شامل تمام کسانی شود که برای تامین زندگیشان نیروی کار خود را به فروش می‌رسانند.

برای تامین بیمه بیکاری ماهانه از دستمزدهایمان کسرنگردد. بیمه بیکاری فعلی بر مبنای حداقل دستمزد یعنی ۸۳ تومان پرداخت می‌گردد و بدون استفاده از مزایا و بن کارگری و می‌دانیم ۸۳ تومان فقط پول ۱۵۰ گرم چای و یا پول ۴۰۰ گرم قند و ۲۵۰ گرم روغن است. در صورتیکه بیمه بیکاری باید بتواند رفاه خانواده ۵ نفره را تامین کند و متناسب با نرخ تورمی باشد که در بازار وجود دارد. اشاره به بن کالاها کردیم، بن کالا از سال ۶۵ به بعد داده می‌شود و قرار بر این بود که به این وسیله سطح معیشت کارگران بالا رود. قرار بر این بود دولت کالاهای اساسی و مایحتاج عمومی مثل برنج، قند و چیزهای اساسی و ضروری‌مان را بما بدهد و در مقابل آنها پول دریافت نکند. در مراحل اول این عمل شد اما بعد چه شد؟ بجای روغن و برنج، خمیر و مسواک داده‌اند! چرا اینطور شد؟ برای اینکه گویا کارفرمایان نارحت می‌شوند چون حقوق زیادی پرداخت می‌کنند و این حقوق اضافی بما داده می‌شود! آیا واقعا اینطور است؟ آیا واقعا ماهی ۳۰۰، ۴۰۰ تومان یا ۷۰۰ تومانی که تازگی‌ها می‌دهند، بخشی از دستمزد خودمان نیست! تازه اگر کارفرما آنرا پرداخت کند، آیا کلاه سرش می‌رود؟ ۷۰۰ تومان را با ساعات کار طولانی و کاهش دستمزدمان و کمتر کردن شرایط ایمنی کارمان و به صدها طریق دیگر از ما بازپس می‌گیرد، و نه تنها آن ۷۰۰ تومان را بلکه خیلی بیشتر از آن را از ما پس می‌گیرند و این عادت و قانون آنها است. خواست ما کارگران در مقابل بن کالاها این است که خارج از این که بن‌ها کی اعلام می‌شود و کی آورده می‌شود. مثلا بن سه ماه سوم و چهارم در فروردین امسال داده شد و بن امسال هم معلوم نیست کی داده خواهد شد بن‌ها سر وعده و بموقع پرداخت گردند و مبلغ آن بر دستمزدمان اضافه شود و مبلغ آن بر دستمزدمان اضافه شود و کالاهای اساسی که نتوانند مایحتاج زندگیمان را تامین کنند. در اختیارمان قرار گیرند. در آخر تنها اینرا می‌گوییم که ما اینجا حرفهایمان را می‌زنیم و بخوبی خواسته‌هایمان مطرح می‌شود، اما هدف تنها گفتن و حرف زدن نیست، بلکه عمل کردن است و مبارزه برای دستیابی به خواسته‌هایمان، و در این راه اگر تشکلی نداریم از همین امروز دست در دست هم بگذاریم و تشکل بوجود آوریم و اگر صندوق نداریم، آنرا بوجود آوریم.*

دست قطبهای سرمایه داری از زندگی مردم کوتاه!

پیش قراولان مارش اول ماه می

وریا روشنفکر



بیوقفه با نظام سرمایه داری و حکومت سرکوبگرش است. این جنگ تا زمانی که تولید بصورت اجتماعی باشد و مالکیت بصورت خصوصی ادامه دارد و تا تحقق رفع مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و رفع کار مزدی ادامه دارد.

ما اعلام کردیم: "طبقه کارگر در ایران با گسترش فاجعه فقر و گرسنگی و

گرانی و بیکاری و بیماری و تبعیض و نابرابری غیر قابل تحملی روبرو است. در اول مه امسال کارگران علیه سرمایه داری حاکم و دولت جمهوری اسلامی بانی این وضعیت کیفرخواست خود را با شفافیت اعلام میکنند. با اتکاء به پتانسیل مبارزاتی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال متحد طبقه کارگر همچون جنبش معلمان و بازنشستگان و اعتراضات توده ای مردم جان به لب رسیده میتوان و باید دولت را موظف به تامین فوری معیشت و سلامت و دستمزد و حقوق مکفی همه شهروندان نمود. علیه دستمزد زیر خط فقر تعیین شده توسط دولت اعتراض کرد و تامین دستمزد و حقوق مکفی تامین کننده زندگی شایسته انسانی را به خواست مشترک و فوری جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی رادیکال تبدیل کرد."

۲۸ آوریل ۲۰۲۲

فقر فزاینده، تورم افسار گسیخته، نبود امنیت شغلی باعث شده بخشهای مختلف طبقه کارگر در آغازین روزهای سال ۱۴۰۱ همانند سال های اخیر به خیابان ها بیایند و بصورت یکپارچه خواستار مطالباتشان شوند. با آغاز دومین ماه از فصل بهار کارگران پروژه های نفتی که وعده های سال ۱۴۰۰ مسئولین و پیمانکاران را پوچ و تهی دیدند، دست به اعتراض و اعتصاب زدند. در بسیاری از پالایشگاه ها و شرکت های پیمانکاری از جمله کارگران عسلویه، پتروشیمی بوشهر، هنگام، کنگان، نیروگاه Boo عسلویه، پتروشیمی مسجد سلیمان، مخازن سبز عسلویه، بیدبند بهبهان، پتروشیمی امیرکبیر و چندین پالایشگاه و نیروگاه دیگر وارد اعتراض و اعتصاب شدند.

کارگران پیرو مطالبات کمپین ۱۴۰۰ که به کمپین ۱۰-۲۰ یعنی ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی معروف شد، مطابق شرایط سخت کاری و محیطی، بار دیگر به نام کمپین ۱۴۰۱ بر مطالباتشان تاکید کردند. کارگران پتروشیمی و شرکت های پیمانکاری همچنین نسبت به تامین امنیت و ایمنی کار، وضعیت بهداشت، محل اسکان و استراحت، فشار و تهدید و ارباب از جانب پیمانکاران، وضعیت قراردادهای کارگران غیر رسمی که سرنوشت مطالباتشان است اعتراض دارند. در واقع همگی این خواسته ها باید جزو مفاد قرارداد کار و بدیهیات در محیط کار باشد که سرمایه داران نمی پذیرند و کارگران ناچارند برای این خواستها دست به اعتصاب و اعتراض بزنند. کارگر نفت هم صدا با سایر بخشهای جامعه نظیر فرهنگیان، بازنشستگان و... فریاد بر می آورد که در شرایطی که تامین نان خالی برای سفره اکثریت جامعه دشوار شده، چگونه است که خانواده فاسدترین سردار در مسند رئیس مجلس برای تهیه سیسمونی نوزادی که هنوز دنیا نیامده میلیونها دلار در ترکیه هزینه میکنند.

امروزه اعتصاب و اعتراض در ایران به کلیت جمهوری اسلامی، به یک جنبش فراگیر تبدیل گشته و هر روز شاهد بروز و ظهور اعتراضات در بخشهای مختلف جامعه هستیم. این جنبش ها که از سوی معلمان و بازنشستگان با فراخوان های پی در پی در روزهای یکشنبه برگزار می شود نشان از هم سرنوشتی توده های به ستوه آمده می باشد. این اعتراضات به تریبونی تبدیل شده است که فسادهای سرکرده های حکومت را رسوا می کند. جمهوری اسلامی که از این موج اعتراضی هراسیده سعی دارد با ضرب و شتم بازداشت و زندانی کردن معلمان و بازنشستگان صدای آنها را خفه کند، اما نمی داند صدایی که برای تحقق یک دنیای بهتر است با سرکوب و رعب و وحشت خاموش نمی شود.

این اتحاد نشان از هم سرنوشتی طبقه کارگر دارد که در مبارزه ای

Stop the imperialist war, NOW!

حکمتیت
حزب کمونست کارگری ایران -

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist



برابری و رفع تبعیض همین امروز!

از "افسانه طبقه کارگر" تا "لومپن پرولتاریا"ی خیزش آبان

در حاشیه اظهارات محمد حبیبی

احمد بابائی



نظر" به مدیریت رادیو پیام کانادا جلسه ای برگزار شد تحت عنوان "افزایش شکاف طبقاتی، تأثیرات آن بر جامعه، راهکارها و مطالبات ما". آقای حبیبی یکی از سخنرانان این جلسه بودند. ایشان در بخش دوم صحبت خود بعد از مقدمه ای کوتاه در مورد وضعیت جامعه ایران و نیروهای اجتماعی موجود گفت: "در پاسخ به دوستانی که میگویند همیشه هنوز

کسانی باشند که به جن باور داشته باشند، میگم در جامعه ای که متخصصینش و پژوهشگرانش به افسانه طبقه کارگر هنوز باور دارند، پس افرادی می‌توانند وجود داشته باشند که به جن باور داشته باشند".

آقای حبیبی دارد روشن میگوید کدام طبقه کارگر؟ طبقه کارگر "افسانه" است. به همین اعتبار است که بزعم ایشان، آبان را جلوه ای از خیزش طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت سرمایه داری دانستن ادامه این "افسانه" است و تازه "تجربه شخصی" ایشان میگوید این "جنبش هم نبود" "شورش کور" "لمپن پرولتاریا بود. چون ایشان با تحلیلگران و رهبران و افراد تئوریک و فعال زندانی آبان مواجه نشده است. من البته بعنوان کسی که عمرم را کارگری کردم و متأسفانه بدلیل فقر امکان این را نداشتم که مثل ایشان در دنیای علم و دانش غوطه بخورم، بشدت در تعجبم که کسی چطور میتواند با یک تجربه و مشاهده صرف و یک مدت آمپریکی "مشت را نمونه خروار" بداند و در مورد مسائل مهم و بنیادی جوامع کنونی اینگونه نتیجه گیری و اظهار نظر کند. فکر نمیکنم من نیازمند این باشم که به ایشان "طبقه کارگر" را در شهرهای ایران نشان بدهم تا داستان افسانه یا واقعیت بدوا روشن شود. اما ادامه سخنان ایشان جای هیچ ابهامی باقی نمیگذارد.

آقای حبیبی ادامه میدهد: "به نظر من آنچه که به عنوان طبقه کارگر از نام برده میشه، و تلاش میشه به طبقه برتر و پیشتاز در تغییر و تحولات اجتماعی ارزیابی میشه، آنچنان که دوستان از آن صحبت می کنند مابه ازای عینی مشخصی ندارد. به خاطر همین است که در واقع اعتراضات گسترده معلمان در بیش از صد شهر اتفاق می افته و حتی در واقع این اعتراضات تداوم پیدا میکنه، اون نگاه بنیادین که به طبقه کارگر دارند، دچار چالش میشه. در نتیجه مجبور می‌شوند مدام از هفت تپه صحبت کنند، چون به نظر نمیداد که بجز هفت تپه دستاورد مشخصی از آنچه که از طبقه کارگر نام می‌برند در جامعه ایران باشد".

من البته تاکنون جایی نخواندم و نشنیدم کسی از "برتری" طبقه کارگر حرف بزند. این سخن نژادپرستانه است. کمونیسیت ها و مارکسیست ها برای نفی جامعه طبقاتی مبارزه میکنند و نه تقدیس و اثبات "برتری طبقه کارگر". اما از این نکته که بگذریم، ایشان میگوید جنبش معلمان مهم تر است و ما به ازای عینی دارد، جنبش کارگری و طبقه کارگر حتی ما به ازای عینی ندارد و افسانه طبقه با افسانه هفت تپه ادامه پیدا کرده است. این بحث میگوید معلمان و فرهنگیان بخشی از طبقه کارگر نیستند. یک اختلاف اصلی ما اینجاست. کارگران سالهاست داد میزنند کارگر معلم اتحاد. همه جای دنیای پیشرفته و مدنی مورد علاقه آقای حبیبی و برخی از دوستان، معلمان هم اتحادیه و سازمان خودشان را دارند و عضو تریبونون ها هستند. چه از نظر بورژوازی و چه از نظر کارگر، پرستار و معلم و کادر بخشهای موسوم به خدماتی و

اخیرا یک فایل صوتی از آقای محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پخش شده که در آن آقای حبیبی از تجربه شخصی خود در زندان با زندانیان و به طور مشخص با زندانیان خیزش آبان روایت می کند. این تجربه مورد اشاره به مبنای برای ساختن و پرداختن یک دیدگاه در مورد طبقه کارگر و نقش و اهداف آن بدل شده است. تا اینجا هیچ مشکلی نیست، کسی میتواند مدعی شود زمین گرد نیست یا نیروی جاذبه وجود ندارد، دیدگاهی فردی است و لایذ فرد زحمت اثبات ادعایش را هم باید بکشد. مشکل اینجاست که این دیدگاه خود را با حرکت اعتراضی برحق معلمان تبیین میکند و در تلاشی قطره چکانی بین معلم و کارگر به معنای اجتماعی و طبقاتی دیوار میکشد و نهایتاً و علیرغم میل خود ایشان بعنوان یکی از فعالین شریف و چپ معلمان، سر از اردوی اصلاح طلبان در میآورد.

ببینیم تجربه شخصی محمد حبیبی چیست. ایشان و بنا به اظهارات روشن شان، ظاهراً با چند نفر یا عده ای از زندانیان آبانماه ۹۸ هم بند بوده است. "تجربه شخصی" آقای حبیبی از این زندانیان اینست که اصولاً سیاسی نیستند، عده ای "سابقه دار" و "زرد" و "معتاد" و آدمهای طبقه "پایین" جامعه بودند. سپس این مشاهده و تجربه شخصی را به کل خیزش آبان تعمیم میدهد و نتیجه میگیرد که خیزش آبان، آنهم نه با زبان خودش بلکه با زبان و تصویر "دوستان مارکسیست" خیزش "لومپن پرولتاریا" بود.

این سخنان طبیعی بود که با واکنش روبرو شود و با اعتراض بخشهایی از خانواده های جانباختگان آبان روبرو شد. در اثر اعتراض جمعی از خانواده جانباختگان و زندانیان، آقای حبیبی عذرخواهی کردند و گفتند این فایل مربوط به شش ماه پیش می باشد.

رفتار آقای حبیبی و دلجوئی از خانواده های جانباختگان البته مورد احترام و تائید من است. خود ایشان از شخصیت های مطرح جنبش معلمان هستند و برای ما تک به تک فعالین زن و مرد و معلمان آزادیخواه قابل احترام و ارزشمند. فراتر اتحاد سیاسی و عملی این جنبش و گسترش آن و داشتن سیاستی موثر که بتواند به اهدافش نزدیک شود برای ما مهم است. درست به همین دلایل، میگویم سخنان آقای حبیبی در مورد خیزش آبان پازلی از یک کلیت است که اجزای آن قطره چکانی اینجا و آنجا مطرح میشود. این دیدگاه که اشاره خواهم کرد، اگر بر حرکت معلمان حاکم شود، آنرا زمین میزند.

تا اینجا ارزیابی محمد حبیبی از خیزش آبان نود و هشت اینست که این خیزش اقشار بیسواد و غیر سیاسی و لمپن پرولتاریا بود. این ارزیابی فی البداهه نمیتواند باشد، به مفروضاتی از جایگاه طبقات و جنبشها در سیاست ایران هم مربوط است. به گوشه های دیگری از این دیدگاه ایشان نگاه کنیم. در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۲۲ اتاق کلاب هاوس "نقد و

به بندهای قانون اساسی و اینکه همه خواسته‌های ما قانونی است، گوشه دیگری از این نافرمانی مدنی است.

نافرمانی مدنی نسخه اصلاح طلبان و سلطنت طلبان و جنبش‌های بورژوائی ایران در مقابل "خشونت انقلابی" و "شورش کور" و "خیزش توده‌ای" و "عمل فراقانونی" است. هر کسی امروز پشت این شعار می‌رود، دارد ترمز به اعتراض رادیکال و انقلابی می‌زند. تاسف بارتر اینست که این سخنان زمانی مطرح می‌شود که شیون پایان اصلاح طلبی هم تمام شده و جزو فراموش شده‌ها هستند. تکرار سیاستهای محوری اصلاح طلبان با قالب و ظواهر جدید، شاید برای شکل دادن به یک سوسیال دمکراسی بی پایه و برای جور بودن ویتترین بورژوازی ایران خوب باشد، اما اتفاقاً "ما به ازای اجتماعی" ندارد و آب در هاون کوبیدن است.

بطور فشرده دیدگاهی هر روز بیشتر از دیروز در میان معلمان خود را بروز میدهد که معلم و فرهنگی کارگر نیست، جزو طبقه کارگر نیست، طبقه کارگر خودش یک افسانه است و لذا اهداف و آرمانهایی که با این نام گفته میشود اعتبار ندارد، معلمان و فرهنگیان میتوانند نجات دهنده مشکلات مردم ایران باشند، از نظر روشها و شیوه سازماندهی کار قانونی و مطالبات قانونی و نافرمانی مدنی، شکل دادن به جنبش در مقابل شورش و مشخص تر نفی شورش آبان و دی و نوع آن، ... اینها از بروزات و مشخصات این دیدگاه است. این دیدگاه قدیمی و شکست خورده است و اتفاقاً دی و آبان یک محصول روند شکست این خط است. هزاران اعتصاب بزرگ و کوچک کارگری و اعتراضات سراسری بخشهای مختلف از جمله معلمان و پرستاران، برای ما سنگرهای مختلف مبارزه کارگری اند و برای اتحاد و قدرتمندتر آنها میکوشیم. حرکت معلمان برای پیشروی و پیروزی لازمست با افتخار خود را جزو طبقه کارگر بدانند و با اهداف و سیاستهای رادیکال این طبقه هماهنگ شود. سیاست نفی طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی و حق کارگر برای دست بردن به عمل انقلابی، نه جدید است و نه اولین بار است که طرح شده است اما هر بار با دیوار سرسخت واقعیات اجتماعی و روندهای بنیادی برخورد کرده است. در ایران این سیاست ورشکسته است و میتواند نسخه شکست هر حرکتی هم باشد.

آقای حبیبی داستان "طبقه متوسط" یا همان خرده بورژوازی و شیوه مبارزه این طبقه "نافرمانی مدنی" امتحان خودش را پس داده و روز خودش شکست خورده است. سخنرانی غرای شما درباب "خیزش آبان" و تجربه "شخصی" تان در زندان و روایت زندانیان آبان، چکامه اش را از تلاشهای متفکرین و جامعه شناسان نسل رو به انقراض طبقه متوسط میگیرد که فکر می‌کند با حمله و تحقیر "حاشیه نشینها"، "کارتن خوابها"، "بی سوادها"، مطلوبیت طبقه متوسط با سواد و یقه سفید را نشان دهد. شما چه بخواهید و چه نخواهید معلمان و فرهنگیان لااقل نود درصدشان جزو صفوف طبقه کارگر هستند. انتظار بیشتری از شما بود نه اینکه مانند مفسران این رادیوها با یک مشاهده ساده و نمونه برداری مدعی شوید که طبقه کارگر دیگر "پیشتر در تغییر و تحولات اجتماعی نیستند!!" تا بعد نتیجه بگیرید؛ "طبقه ای که قراره تحول عینی در جامعه ایجاد کند، حتما باید از طبقه متوسط باشد". عجب! میشود بفهمانید چطور؟

۲۳ آوریل ۲۰۲۲

از "افسانه طبقه کارگر" تا "لومپن پرولتاریا"ی خیزش آبان ...

آموزشی و درمانی و بهداشتی و غیره، بخشهای مختلف طبقه کارگرند و از نظر موقعیت اقتصادی با درجاتی تفاوت که همیشه وجود داشته جزو نیروهای طبقه کارگرند.

البته سیاست شکاف انداختن و تعاریف را محدود یا بسط دادن همیشه وجود داشته است. در ایران از صنعت نفت و صنایع بزرگ آغاز شد و در کشورهای دیگر بسیار سیاستی قدیمی است. اینکه بخشی از کارگران یک رشته را که مثلا در امور اداری و سرویس و خدمات و آموزش هستند، "کارمند" و بقیه را که در تولید هستند "کارگر" بنامند. براساس مدرک تحصیلی و پایه شغلی این عناوین تعریف شدند. شاید اینها برای بحث طبقه بندی مشاغل خوب باشد اما برای تبیین جامعه شناسی و مبارزه اجتماعی مفت هم نمی آرد. برخی از دوستان در شورای صنفی معلمان و در اظهاراتشان از جمله در سخنان آقای حبیبی تلاش میکنند هر روز بیشتر تفاوت "فرهنگی" و "کارگر" را برجسته کنند. در یکی از قطعنامه های پایانی اعتراض دور قبل از جمله "معلمان" را "ناجی" جامعه معرفی کرده بودند. شعارهایی مانند "هر کسی با اهل قلم در افتاد و رافتاد" نیز در همین دیدگاه ریشه دارد. سوال اینست که تلاش برای اعلام جدائی جنبش معلمان بعنوان حرکتی فرهنگی و فریخته با جنبش کارگری و "افسانه طبقه کارگر"، تلاش برای ایجاد شکاف بین کارگر و فرهنگی یعنی کسانی که نیروی کار و خلاقیت خود را برای مزد یا حقوق چه بصورت یدی یا فکری یا هر دو میفروشند، به کدام هدف سیاسی کمک میکند؟

من میگویم آقای حبیبی گرامی و دوستانی که چنین نظری را دارید، نظر به اینکه در کار علمی و پژوهشی و آموزشی هستید و قبول نمیکند که هر کسی ادعاهای بی پایه و غیر مستدل علمی بکند، لطفا زحمت بکشید و این ادعاهایتان را با نقد مارکس و حتی قبل از مارکس که به وجود طبقات اجتماعی و کشمکش طبقاتی و جنبشهای طبقاتی و تجارب متعدد بین المللی قائل بودند و برای آن دهها هزار صفحه نوشتند، پاسخی جدی بدهید. با سیاه سفید است و برعکس نمیشود زیر اساس دنیای امروز بزنید.

این دیدگاه در بخشی دیگر از جنبش مدنی و سازمانیافته در مقابل شورش کور حرف میزند. از جمله سخنان اخیر آقای عزیز قاسم زاده در اجتماع اول اردیبهشت است. آن "شورش کور" در واقع همان آبان است و آن "جنبش سازمانیافته" و "مدنی" هم جنبش معلمان که سیاست و شعارش و روشهایش متمایز است و رهبری دارد. همینطور بدون دلیل نیست که ناگهان سمینار در مورد "نافرمانی مدنی" برگزار میشود و مدافعان اصلاح طلب ورشکسته و افراد جدیدی از ضرورت "نافرمانی مدنی" و تبیین آن میگویند. قانونگرایی و تاکید بیش از حد

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر و امیر عسگری

اعتصاب کارگران داربست‌بند در پتروشیمی کیان

روز یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱، کارگران داربست‌بند پیمانکاری علیخانی شاغل در پتروشیمی کیان واقع در عسلویه دست به اعتصاب زدند. کارگران پروژه‌های نفت اعلام کرده بودند که چنانچه تا روز چهارم اردیبهشت خواسته‌هایشان محقق نشود از روز پنجم دست به اعتصاب گسترده‌ای خواهند زد. کارگران پروژه‌های خواستار افزایش دستمزد و تغییر نوبت‌کاری به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند. حدود یک‌دهزار نفر از کارگران پروژه‌های نفت تابستان گذشته دست به اعتصابی ۳ ماهه زدند. برخی از شرکت‌ها خواسته‌های کارگران را بی‌جواب گذاشتند و برخی نیز بخشی از مطالبات را اجرا کردند.

روز استراحت محقق نشود از روز پنجم دست به اعتصاب گسترده‌ای خواهند زد.

اعتصاب کارگران پروژه‌های شرکت ناورود در پتروپالایش کنگان

روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران داربست‌بند پروژه‌های شرکت ناورود شاغل در پتروپالایش کنگان نیز دست به اعتصاب زدند. کارگران پروژه‌های نفت خواستار افزایش دستمزد و نوبت‌کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند. از روزدوشنبه که اعتصاب کارگران پروژه‌های آغاز شده است، تعدادی از پیمانکاران و کارفرمایان شرایط کارگران را قبول کرده و با افزایش دستمزد و توافق بر سر نوبت‌کار ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت با کارگران قرارداد جدید منعقد کرده‌اند.

اعتصاب کارگران پروژه‌های نیروگاه Boo عسلویه

روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران پروژه‌های پیمانکاری بهروز لیموجی شاغل در نیروگاه سیکل ترکیبی Boo عسلویه نیز دست به اعتصاب زدند.

تداوم اعتصاب کارگران مخازن سبز عسلویه

روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران پروژه‌های ساخت مخازن سبز عسلویه در راستای پافشاری بر خواسته‌هایشان به اعتصاب خود ادامه دادند.

اعتراض کارکنان شرکت صنایع پتروشیمی مسجدسلیمان

متعاقب خبر تغییر مدیریت صنایع پتروشیمی، صبح روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارکنان شرکت صنایع پتروشیمی مسجدسلیمان در اعتراض به این تغییر دست به اعتصاب زده و جاده‌های دسترسی به این شرکت را بستند و خواستار لغو این تغییر شده‌اند!

اعتصاب کارگران داربست‌بند نیروگاه برق اردبیل

روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران داربست‌بند نیروگاه برق اردبیل نیز با خواست افزایش دستمزد و نوبت‌کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب کارگران پروژه‌های شرکت جهانپارس شاغل در فاز ۲ پالایشگاه بیدبلند بهبهان

روز چهارشنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران پروژه‌های شرکت جهانپارس شاغل در فاز ۲ پالایشگاه بیدبلند بهبهان نیز دست به اعتصاب زدند.

تجمع اعتراضی جمعی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز

بنابر گزارش‌های رسیده، روز یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ جمعی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز نیز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در محوطه شرکت دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران فصلی نیشکر هفت‌تپه

روز دوشنبه ۵ اردیبهشت جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه خواهان تغییر وضعیت استخدامی خود بعد از بهره برداری شدند. کارگران فصلی خواهان استخدام در شرکت هفت تپه هستند.

تجمع اعتراضی کارکنان نوبت‌کار شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب

روز یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران نوبت‌کار زیرمجموعه شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب مطابق فراخوان از پیش اعلام شده مقابل درب اصلی ستاد مناطق نفت‌خیز در اهواز دست به تجمع زدند. کارگران و کارمندان نوبت‌کار زیرمجموعه این شرکت که در بخش عملیات و بهره‌برداری شرکت‌های کارون و مارون، مسجد سلیمان و آغاچاری مشغول به کار هستند، نسبت به شیفت چرخشی ۸ ساعته اعتراض دارند و خواهان تثبیت و استمرار شیفت ۱۲ ساعته و نوبت‌کار ۴ روز کار و ۴ روز استراحت هستند. تعداد زیاد سفرها و مسافت طولانی در جاده‌های پرخطر برای عزمیت به محل کار، یکی از دلایل مخالفت این کارکنان با شیفت‌های ۸ ساعته است. لازم به ذکر است که پس از چند نوبت اعتراض این کارگران شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب اعلام کرده که کار گروهی برای بررسی این موضوع تشکیل داده است اما پرسنل نوبت‌کار خواستار اجرای فوری تثبیت شیفت ۱۲ ساعته هستند.

اعتصاب کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی بوشهر

روز یکشنبه ۴ اردیبهشت کارگران پروژه‌های پیمانکاری فرجود شاغل در پتروشیمی بوشهر پس از تجمع دست به اعتصاب زده و به خوابگاه‌ها برگشتند. کارگران پروژه‌های نفت اعلام کرده بودند که چنانچه تا روز چهارم اردیبهشت خواسته‌هایشان محقق نشود از روز پنجم دست به اعتصاب گسترده‌ای خواهند زد. بنا بر اعلام قبلی و با توجه به تحقق نیافتن خواسته‌های آنان، روز دوشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ تعداد زیادی از کارگران پروژه‌های شاغل در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر دست به اعتصاب زدند. کارگران پروژه‌های خواستار افزایش دستمزد و تغییر نوبت‌کاری به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند.

اعتصاب کارگران پروژه‌ای نفت

روز دوشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ کارگران پیمانکاری علی شهبازی شاغل در فاز ۱۹ عسلویه، کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی هنگام، کارگران پروژه‌های پتروپالایش کنگان، کارگران مخازن سبز عسلویه، کارگران پروژه‌های شاغل در فاز ۱۳ عسلویه و کارگران پروژه‌های شرکت پتروکیان دست به اعتصاب زدند. کارگران پروژه‌های نفت اعلام کرده بودند که چنانچه خواسته‌هایشان مبنی بر افزایش دستمزد و نوبت‌کاری ۲۰ روز کار و ۱۰

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

امیدواریم که سایه اتحاد عمل زمینه همبستگی بیشتر بین تمام اقشار جامعه برای تحقق حاکمیت مردم، دموکراسی، آزادی، برابری، رفاه و شادی فراهم گردد.

و عده ما: یکشنبه، ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ ساعت ۱۰
تهران: مقابل مجلس- مراکز استانها: ادارات کل آموزش و پرورش
شهرستانها: اداره آموزش و پرورش

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

تجمع اساتید و کارکنان دانشگاه کرمانشاه در اعتراض به سطح پایین حقوق
اساتید و کارکنان دانشگاه کرمانشاه، روز سهشنبه ششم اردیبهشت ماه، در محوطه دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند. گفته می‌شود، با وجود پایان اولین ماه سال جاری، تاکنون هیچ افزایشی در حقوق دریافتی اساتید و کارکنان این دانشگاه صورت نگرفته است. معترضان با حمل پلاکاردهایی، نسبت به عدم همخوانی حقوق و مزایای دریافتی با تورم و گرانی، اعتراض داشته و خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شدند.

تجمع دانشجویان علم و صنعت

یکشنبه چهارم اردیبهشت، دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در اعتراض به افزایش فشارهای حراست و ضرب و جرح یکی از دانشجویان، دست به تجمع زدند. بیانیه قرائت شده در تجمع دانشجویان علم و صنعت در اعتراض به فضای پلیسی و دانشگاه رفتارها و اقدامات حراست پس از بازگشایی بدین شرح است:

دانشجویان! همکلاسی‌ها!

امروز دو هفته از بازگشایی دانشگاه، بعد از دو سال تعطیلی میگذرد. امروز شاهد اولین تجمع دانشجویی، در دفاع از حق دانشجویان هستیم. با اینکه مدت کوتاهی است که از بازگشایی دانشگاه می‌گذرد اما در همین مدت کوتاه شاهد شدت گرفتن تلاش‌هایی برای استقرار نظم پلیسی در دانشگاه هستیم. گویا تعطیلی دو ساله دانشگاه و شکاف نسلی ایجاد شده میان دانشجویان، به اقتدارگرایان فرصتی برای از بین بردن دستاوردهای مبارزات دانشجویی داده. آن‌ها فکر می‌کردند که می‌توانند نبض دانشجو را خاموش کنند. اما این گمان، خیال خامی بیشتر نیست.

دو هفته از بازگشایی دانشگاه‌ها می‌گذرد و ما چیزی جز اذیت و آزار ندیده‌ایم. حراست دانشگاهی که وظیفه حفاظت از دانشجو را دارد، امروزه بیش از هر نهاد دیگری محل آسایش اوست. روندی که تنها منحصر به علم و صنعت نیست و در سایر دانشگاه‌ها نیز به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. پروژه‌های که برای سرکوب و خنثی کردن پتانسیل سیاسی دانشگاه در جریان است نه فقط با تشدید فشارها بر فعالان و تشکلهای و نهادهای دانشجویی بلکه همراه با فشارهایی روزانه بر عموم دانشجویان. فشارهایی همچون گسترش حوزه دخالت در پوشش دانشجویان حتی خارج از دانشگاه و ایجاد رعب و وحشت و تهدید دانشجویانی که تا پیش از این رنگ دانشگاه حضوری را به چشم ندیده بودند و برای تحصیل، کیلومترها از شهرهای خود دور شده‌اند.

در این میان عملکرد حراست و حفاظت فیزیکی دانشگاه علم و صنعت جان‌هایمان را به لب رسانده. این نهاد قدرت تا بدان جا پیش رفته که هفته گذشته وقتی تشکلی علیه این عملکرد آن‌ها دست به صدور بیانیه‌ای زد، به جمع‌آوری بیانیه‌های یک تشکل از سطح دانشگاه پرداخت و یکی از دانشجویان را مضروب و به همراه تعدادی دیگر به کمیته انضباطی احضار کرد و پای نیروهای نظامی را به صحن دانشگاه باز کرد. امروز دهه شصت نیست! که بتوان با اجبار، سلاب و عقاید عصر حجری خود را با زور و چماق به خورد دانشجو داد. امروزه باید حق آزادی انتخاب را پذیرفت. چاره‌ای هم جز پذیرش آن نیست. حق انتخاب، مهمترین حق

تجمع کارگران کاشی اصفهان در اعتراض به معوقات چندین ساله

روز دوشنبه ۵ اردیبهشت شماری از کارگران کاشی اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت معوقات چندین ساله، بلا تکلیفی شغلی، تعدیل پرسنل و وعده‌های پوشالی مسئولان، تجمع برگزار کردند. کارگران معترض با برپایی تجمع در مقابل ساختمان استانداری و در دست داشتن پلاکاردهایی، نسبت به اخراج نیروها از کار و عدم پرداخت معوقات حقوق هفت ماه و همچنین سایر معوقات از سال ۹۵ تاکنون، اعتراض کردند. آنها در پی تعدیل نیرو و تعطیلی چندین باره این مجتمع تولیدی، با عدم امنیت شغلی، بلا تکلیفی قراردادهای کاری و ناامنی اقتصادی مواجه و خواستار رسیدگی مسئولان به معضلات شغلی و معیشتی خود شده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری شهرستان شوش

روز چهارشنبه ۷ اردیبهشت کارگران شهرداری شوش با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان فرمانداری خواهان پرداخت حقوق معوقه چند ماهه خود شدند.

تجمع اعتراضی کارکنان و کارگران شهرداری اهواز

روز چهارشنبه ۷ اردیبهشت در پی دستور شهردار اهواز مبنی بر کاهش مزایای پرسنلی کارکنان و کارگران شهرداری کارگران شهرداری برای دومین روز متوالی در محوطه شهرداری تجمع کردند.

فراخوان تجمع سراسری معلمان به مناسبت فرا رسیدن اول می روز جهانی کارگر و هفته معلم

فرهنگیان شریف بازنشسته و شاغل!

درود بر شما

همانطور که می‌دانید ۱۲ اردیبهشت سالروز جان باختن ابوالحسن خاندانی به دست نیروهای سرکوبگر در سال ۱۳۴۰ است. از آن زمان این تاریخ به صورت غیررسمی روز معلم نام گرفت. در دهه هشتاد کانون‌ها و انجمن‌های صنفی با احیای نام ابوالحسن خاندانی، روز معلم را به این مناسبت ثبت نمودند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران هفته معلم را به تمام فرهنگیان شاغل و بازنشسته تبریک و شادباش می‌گوید و یاد و خاطره خاندانی و تمام معلمان جانباخته راه آموزش و آزادی و برابری را گرامی می‌دارد.

همکاران عزیز!

با توجه به اینکه هنوز مطالبات ما محقق نشده، شورای هماهنگی به تجمع سراسری در روز یکشنبه، ۱۱ اردیبهشت در سراسر ایران فراخوان می‌دهد. از آنجایی که این روز مصادف با اول ماه می و روز جهانی کارگر است و اکثریت والدین دانش‌آموزان ما کارگران و زحمتکشان هستند و مطالبات معلمان مانند آموزش رایگان و باکیفیت، افزایش حقوق بالای خط فقر، حق تجمع و تشکلهایی و حق فعالیت آزادانه و آزادی معلمان و کارگران با سایر اقشار کارگری مشترک است.

شورای هماهنگی ضمن تبریک اول ماه می به کارگران شریف جهان و ایران و دفاع از مطالبات و حق اعتراض کارگران، از والدین دانش‌آموزان خود می‌خواهیم برای تحقق مطالبات خود و دفاع از اصل آموزش رایگان و باکیفیت از مطالبات معلمان که بخشی از مطالبات اکثریت جامعه است حمایت نمایند و صحنه واقعی از اتحاد فرهنگیان و سایر اقشار اجتماعی را رقم بزنند.

سینا، رژیم هار اسلامی را مسئول جان حیدر سینا می‌باشد.

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

هر انسانی بعد از حق زندگی ست. ما دانشجویان، حضور نیروهای امنیتی در دانشگاه و ایجاد رعب و وحشت را به شدت محکوم می‌کنیم. امروز ما دانشجویان خواستار موارد زیر هستیم:

1. تشکیل شورای نظارت بر حراست
 2. توقف دخالت در امور شخصی دانشجویان و زیست دانشجویی و به رسمیت شناختن حق آزادی انتخاب
 3. شفاف شدن عملکرد حراست، انتشار آیین نامه‌ها و مصوبه‌ها به صورت علنی
 4. مشخص شدن هویت نیروهای حفاظت فیزیکی! (افراد باید اتیکت اسمشان را روی بیرونی‌ترین لباسشان نصب کنند.)
 5. توقف گشت زنی در سطح دانشگاه، و حذف و عدم استعمال موتورسیکلت و وسایل نقلیه موتوری توسط حفاظت فیزیکی
 6. برخورد با عاملان ضرب و شتم یک دانشجو
 7. توقف ممانعت از فعالیت‌های دانشجویی سیاسی، مدنی، صنفی و فرهنگی
 8. توقف پیگرد کمیته انضباطی دانشجویانی که اخیراً احضار شده‌اند
 9. رفع محدودیت رفت و آمد خوابگاه‌ها
 10. حذف سرشماری شبانه خوابگاه‌ها
- و در آخر:
11. توقف امنیتی سازی دانشگاه و عدم حضور دوباره نیروهای نظامی

زندانیان و بازداشتها

حمله وحشیانه نیروهای امنیتی به یکی از فعالین صنفی معلمان

مأمورین لباس شخصی مقابل دانشگاه یاسوج به شکل وحشیانه‌ای به علی‌حسن بهامین از فعالین صنفی معلمان حمله کردند. اما مردم و آقای بهامین در حمله نیروهای اطلاعات سپاه مقاومت کردند و وی را در حالی که در یک دستش دستبند بود، آزاد کردند. علی حسن بهامین عنوان کرد: در حال بازگشت از دانشگاه به منزل بوده که مورد هجوم ۱۷ تن از مأموران امنیتی قرار گرفته و در پی این رویداد، دست وی دچار آسیب شده و تلفن همراه وی نیز شکسته است. بعدازظهر همان روز آقای علی‌حسن بهامین به سپاه فتح استان منتقل شد و معلمان در اعتراض به این اقدام وحشیانه مقابل این مکان دست به تجمع زدند. در نتیجه پیگیری ها، همراهی ها و تجمع معلمان در مقابل ساختمان سپاه فتح، علی‌حسن بهامین فعال صنفی معلمان در ساعت دو نیمه شب آزاد شد. ایجاد فضای رعب و وحشت توسط نهادهای امنیتی در آستانه روز جهانی کارگر، به دلیل ترس حاکمیت از تجمعات گسترده معلمان و کارگران در این روز است.

بازداشت احمد تقوی از فعالین صنفی معلمان در ابهر

حوالی ظهر روز دوشنبه ۵ اردیبهشت نیروهای امنیتی با مراجعه به منزل مسکونی احمد تقوی از فعالین صنفی معلمان ابهر او را بازداشت نموده و به مکان نامعلومی بردند. تاکنون آقای تقوی هیچ تماسی با خانواده مبنی بر مکان بازداشت و ارگان بازداشت کننده خود نداشته است. همچنین نیروهای امنیتی در تماس با آقای بهرام اسلامی از دیگر فعالان صنفی در ابهر از ایشان خواستند سه شنبه ۶ اردیبهشت ساعت ۹ صبح به سازمان اطلاعات سپاه ابهر مراجعه نمایند که آقای اسلامی اعلام کرده اند که هر حضوری باید با ابلاغیه رسمی و قانونی باشد و با تماس شفاهی نخواهد رفت.

احضار رادا (روح‌اله) مردانی به دادگاه

احضاریه‌ای برای رادا مردانی (روح‌اله) معلم و فعال صنفی صادر شده است مبنی بر اینکه باید روز ۱۱ اردیبهشت در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان دلفان حضور یابد. همزمان ابلاغیه دیگری از سوی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش گیلان برای رادا مردانی صادر شده است که باید ظرف ده روز دفاعیه و مدارک خود را به این هیأت ارسال نماید. احضار رادا مردانی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت و اعمال فشار و تهدید و اقدام به بازداشت چند تن از معلمان در روزهای اخیر به دلیل فراخوان تجمع سراسری معلمان در روز ۱۱ اردیبهشت صورت می‌گیرد.

مهدی فتحی فعال فرهنگی استان فارس به ۸ سال زندان و ابطال گذرنامه و ممنوعیت از خروج کشور محکوم شد

روز پنجشنبه و همزمان با تجمع سراسری معلمان، دادگاه تجدید نظر مهدی فتحی را به زندان و مجازات تکمیلی محکوم نمود. در این احکام این معلم به پنج سال با اتهام «قصد بر هم زدن امنیت کشور» و یک سال به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و دو سال به اتهام «توهین به بنیان‌گذار نظام و رهبر نظام» محکوم شد و ضمن ابطال گذرنامه حکم ممنوعیت خروج از کشور برای وی صادر گردید.

آخرین وضعیت مرتضی صیدی از زبان زهرا صادقی

هشت روز سخت و نگران کننده را به همراه دخترم در نبود #مرتضی صیدی گذرانیدیم. فکر کردن به اینکه فردا هم روز تعطیل است، و نمی‌توانم بین دادسرا و زندان اوین دوان باشم به امید خبری از سلامتی همسرم، فشار روانی را بیشتر می‌کند. من و دخترم تا کنون از حال مرتضی و مکان نگهداریش اطلاعی نداریم؛ و من همچنان خیره به گوشی تلفن به امید خبری! بار دیگر یادآوری می‌کنم، که همسرم یک کارگر ساختمانی است، که صبح تا شب روی

تجمع اعتراضی بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما

روز سه شنبه ۶ اردیبهشت بازنشستگان صندوق هما در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در ورودی فرودگاه مهرآباد تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به تصمیم دولت برای انتقال صندوق بازنشستگی هما به صندوق بازنشستگی کشوری می‌باشد. بازنشستگان صندوق هما خواستار مستقل ماندن این صندوق هستند. بازنشستگان می‌گویند، در دوران خدمت در شرکت هواپیمایی هما مبلغ بیشتری از حقوق آنها کسر شده است. اما با انتقال به صندوق کشوری حقوق بازنشستگی آنها به میزان زیادی کسر می‌شود. آنها همچنین می‌گویند که هنوز حقوق فروردین را دریافت نکردند!

مرگ یک سوختبر دیگر در بندر کوهستک

روز جمعه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، تیراندازی نیروهای دریابانی بندر کوهستک از توابع شهرستان سیریک به سمت یک قایق، منجر به کشته شدن یک شهروند سوختبر بنام حیدر سینا شد! پس از بررسی‌های لازم در قایق، توسط نیروهای دریابانی معلوم شده که قایق حیدر حامل هیچگونه کالای قاچاقی نبوده است! ما ضمن ابراز تاسف عمیق و همدردی با خانواده حیدر

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

خود بردند. احضار، تهدید و بازداشت کارگران، معلمان و فعالین کارگری در آستانه روز جهانی کارگر بخاطر ممانعت از برگزاری تجمعات این روز و سرکوب هر نوع صدای اعتراض و حق خواهی است.

بازداشت هفت نفر از فعالین کارگری در بانه

روز سه شنبه ۶ اردیبهشت و در آستانه‌ی روز جهانی کارگر نیروهای امنیتی ۷ تن از فعالین کارگری و اجتماعی شهر بانه با نام‌های سعید محمدی، حسن عزتی، نیشتمان رحمتی، پروین عبدالله پور، رحمان سلیمانی، افشین رحیمی و فاتح مجیدی را بازداشت کردند. ماموران امنیتی با هجوم به منازل این افراد و بدون ارائه حکم قضایی، آنها را بازداشت کرده‌اند. نیشتمان رحمتی دیروز آزاد شد؛ اما اخبار حاکی از انتقال سایر بازداشت شدگان به بازداشتگاه اطلاعات سندج دارد.

احضار غلامرضا شریفه معلم بازنشسته به ستاد خبری اطلاعات سندج

روز چهارشنبه ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ غلامرضا شریفه معلم بازنشسته و از فعالین فرهنگیان سندج به ستاد خبری اطلاعات این شهر احضار و مورد بازجویی قرار گرفت.

نوشین کشاورز نیا، فعال حقوق زنان، بازداشت شد.

نوشین کشاورز نیا، روز دوشنبه پنجم اردیبهشت، پس از احضار از سوی مقامات امنیتی، بازداشت و به زندان منتقل شده است. اطلاعات بیشتری از اتهامات و محل دقیق نگهداری او در دست نیست.

داریست، در سرمای زمستان و گرمای تابستان، بی‌هیچ تضمینی برای این‌که در آخر کار به دستمزد خود می‌رسد، و بدون هیچ بازنشستگی و بیمه‌ای، برای یک زندگی بهتر تلاش می‌کند. اگر تلاش برای یک زندگی بهتر «جرم» است، ما کارگران همه مجرم هستیم! بار دیگر از کارگران ساختمانی و دیگر اقشار طبقه‌ی کارگر درخواست حمایت داریم!

وی در یادداشتی دیگر افزود: ما خانواده‌ها با پیگیری‌هایی که از روند بازداشت عزیزانمان کردیم، مشخص شد که آنان را گرفته‌اند، تا روز جهانی‌کارگر بگذرد! این حرفی بود که بازپرسی به ما زد. دوباره یک می فرارسید، و دوباره کارگرانی که باید در زندان بمانند، تا این روز بگذرد. و این‌بار قرعه به نام مرتضی صیدی افتاده است. دلواپسی من و دخترم و بی‌خبری از حال جسمی و روانی همسرم از یک طرف، و نگرانی همسرم در نبودش بابت هزینه‌ها و وضعیت مالی خانواده از طرف دیگر، لحظات زندگی یک خانواده‌ی کارگری را در این روزها ساخته‌اند! اما ما همچنان در تلاش هستیم، تا روزهای بازداشت مرتضی و رفقای در بندش کوتاه شود، و آن‌ها را «آزاد» ببینیم. برگرفته از صفحه اینستاگرام زهرا صادقی

عادل گرجی روانه‌ی زندان اوین شد

عادل گرجی دانشجوی معماری بابت شرکت در مراسم روز کارگر ۹۸ و اعتراض به جایجایی دانشکده هنر و معماری برای تحمل یک‌سال حبس روانه‌ی زندان اوین شد. عادل گرجی همچنین از سوی دادگاه به ۳ ماه کار بدون مزد محکوم شده است.

امیرحسین مرادی و علی یونسی مجموعاً به ۳۲ سال حبس محکوم شدند. امیرحسین مرادی و علی یونسی دانشجویان بازداشتی دانشگاه صنعتی شریف، توسط دادگاه انقلاب تهران هر یک به ۱۶ سال حبس محکوم شدند. بر اساس این حکم که توسط شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران صادر و به آنها ابلاغ شده، امیرحسین مرادی و علی یونسی هر یک از بابت اتهاماتی از جمله افساد فی‌الارض، اجتماع و تبانی علیه نظام و تبلیغ علیه نظام به ۱۶ سال حبس محکوم شدند.

عسل محمدی به یک سال و ۸ ماه حبس محکوم شد

شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران محکومیت عسل محمدی را عیناً تأیید کرد. خانم محمدی پیشتر توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به یک سال و ۸ ماه حبس و دو سال محرومیت از عضویت در دسته جات سیاسی و اجتماعی محکوم شده بود. براساس این حکم که توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صادر و ابلاغ شده است، از بابت اتهامات «تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به ۱ سال و ۸ ماه حبس و دو سال محرومیت از عضویت در دسته جات سیاسی و اجتماعی محکوم شده است.

هجوم ماموران امنیتی به منزل رهام یگانه

روز سه‌شنبه ششم اردیبهشت ماه، نیروهای امنیتی با مراجعه به منزل رهام یگانه فعال چپ و کارگری تعدادی از لوازم شخصی او را ضبط کرده و اعلام کردند که تا ماه آینده برای بازجویی تماس خواهند گرفت. این ماموران که از سوی وزارت اطلاعات با حکم تقنینش به منزل رهام یگانه آمده بودند، ۳ گوشی موبایل، هارد، فلش مموری و حدود ۸۰ جلد از کتاب‌های او را با

**Workers,
Rise Up Against
The Capitalist War!**

**Not To War,
Not To Austerity!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

کارگران، کمونیست‌ها، به حزب حکمتیست پیوندید!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

Capitalist poles' hands off people's lives!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!